

نقدی بر معرفی فرقه «غلات» در

دایره المعارف اسلام *

مهديه دهقانی قناتغستانی **

چکیده

از نگاه مستشرقان، پژوهش‌های تاریخی مارشال هاجسن - از اسلام‌پژوهان و تاریخ‌دانان سالهای میانی سده ۱۹۰۰ میلادی - سبب پدید آمدن نگاه و روشی نوین در مطالعات تاریخی خاورشناسان شده است. مدخل «غلات» یکی از بیست مدخلی است که به قلم او در *دایره المعارف اسلام (EI)* در حجمی قریب به یک صفحه (دو ستون) نوشته شده است. از آنجا که یکی از بنیادین‌ترین مقدمات در مباحث تاریخی، شناخت درست فرقه‌هاست لازم است اندیشه‌ها و عملکردهای هر فرقه به درستی شناسایی و معرفی گردد. بررسی مدخل غلات نشان می‌دهد که اطلاعات نادرستی درباره این فرقه در این مدخل ارائه شده است و نقدهای گوناگونی بر محتوای آن وارد است. از آن جمله اشکال در دسته‌بندی فرقه شیعه، انتساب آغازگری اندیشه مهدویت به غلات، برشمردن اعتقاد به عالم دَر در زمره عقاید غلات و ... است. به نظر می‌رسد همه این اشکالات ناشی از عدم مراجعه نویسنده به منابع عربی است.

کلید واژه‌ها: غلات، مستشرقان، مارشال هاجسن، دایره المعارف اسلام.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۳/۰۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰.

** دانش‌آموخته دکتری دانشگاه تهران / mdgh.2011@gmail.com

به گمان برخی مستشرقان، مسلمانان نسبت به تحقیقات اسلام‌شناسان غیرمسلمان نگاه مثبتی ندارند، از این رو که نگران‌اند در پس پژوهش‌های اسلامی مستشرقان، منفعت‌طلبی اقتصادی یا سیاسی نهفته باشد. موتسکی می‌گوید:

عالمان و روشنفکران مسلمان، غالباً بر پژوهش‌های اسلامی غیرمسلمانان یکجا آنکس اسلام‌ستیزی زده‌اند. مفهوم «مستشرق» بار معنایی بسیار منفی با خود به همراه دارد. این سوءظن وجود دارد که اسلام‌پژوهان غربی ابزاری در دست قدرت‌های اقتصادی و سیاسی‌اند که می‌خواهند کشورهای اسلامی را تحت سیطره خود درآورند. (موتسکی، ۱۳۸۹: ۱۱)^۱

به خلاف اندیشه موتسکی، به نظر می‌رسد امروزه پژوهشگران مسلمان دیگر این گونه بدگمانی را نسبت به پژوهش‌های خاورشناسان ندارند، اما شاید بتوان گونه‌های دیگری از نگرانی را در این رابطه یافت. از جمله این نگرانی‌ها را می‌توان در قالب پرسش از عمق اطلاعات اولیه آنان و احاطه آنان بر منابع مقبول مطرح کرد. به واقع محققانی که از خارج جهان اسلام درباره اسلام پژوهش می‌کنند به چه میزان از آراء و دیدگاه‌های دانشمندان متقدم و متأخر مسلمان در موضوعات مختلف اطلاع دارند؟ و تا چه اندازه به منابع مقبول مراجعه می‌کنند؟ در جامعه شیعی امامی، بی‌تردید این سوال به شکل جدی‌تری در برابر پژوهش‌های مستشرقان مطرح است. چه اینکه عموم پژوهش‌های مستشرقان بر اساس منابع و عقاید اهل سنت مذهب نوشته شده است و در نتیجه لزوماً بر منابع و عقاید شیعه صادق نیست. موتسکی نیز به وجود این اشکال در پژوهش‌های مستشرقان تصریح می‌کند و می‌گوید:

حدیث‌پژوهی غربیان تا کنون عمدتاً بر منابع و آثار سنی متکی بوده است و توجه کمتری به سنت و روایت شیعی و نقل آن شده است. (همان: ۱۲)^۲

۱. موتسکی در ادامه این دل‌نگرانی را ناشی از عوامل متعددی از جمله عدم تسلط عالمان مسلمان بر زبان شرق‌شناسان و در نتیجه عدم اطلاع آن‌ها از محتوای پژوهش‌های آن‌ها می‌داند.
 ۲. موتسکی این ایراد را به پژوهش‌های مستشرقین وارد نمی‌داند و در پاسخ به آن در خصوص پژوهش‌های مربوط به «سیر تطور جوامع حدیثی» می‌گوید: این داوری عجولان‌های است. دلایل و علایم متعددی هست که نشان می‌دهد روایات پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام و صحابه وی در قرون نخست هجری را شیعیان و اهل سنت و جماعت به گونه‌ای مشابه تلقی و نقل کرده و بعدها در جوامع خود گردآوری، ثبت و کتابت کرده‌اند. از این رو می‌توان گفت: بررسی‌های حدیث‌شناسی غرب در باب خاستگاه و سیر تطور جوامع

دانشمندان شیعی مذهب، به همین دلیل، از یک سو در پژوهش‌های مستشرقان احساس «کاستی» می‌کنند و در «جامعیت» آن‌ها خلل می‌بینند و از سوی دیگر بررسی و داوری درباره «درستی» اطلاعات ارائه شده در موضوعاتی را که به باورها و عقاید شیعه مرتبط می‌شود، لازم می‌دانند. این مسئله و نیاز نسبت به پژوهش‌های نشر یافته مستشرقان در دانش‌نامه‌ها بیشتر احساس می‌شود، چه اینکه این کتب، به دلیل ماهیت دانشنامه‌ای بودنشان به عنوان منابع مراجع و مادر شناخته می‌شوند و بر اساس قواعد دانشنامه‌نویسی، لازم است در آن‌ها تنها اطلاعات ثابت شده و غیر اختلافی ثبت گردد و بر این اساس خوانندگان نیز مطالب موجود در این کتاب‌ها را به عنوان اطلاعات مقبول و معتبر قلمداد می‌کنند و آن‌ها را پایه پژوهش‌ها و داوری‌های بعدی قرار می‌دهند. (رک: فتوحی، ۱۳۹۳: ۱۲۰-۱۲۴)

پژوهش حاضر در بررسی میزان صحت و جامعیت پژوهش‌های مستشرقان در Encyclopedia of Islam به بررسی مدخل غلات نوشته ام. جی. اس. هاجسن می‌پردازد.

شایان ذکر است که این بررسی به دنبال آن نیست که اثبات نشدن درستی نظر شیعه امامی در مسائل اختلافی را به عنوان نقد معرفی کند، بلکه تنها لازم می‌داند که در قضایای اختلافی جانبدارانه سخن گفته نشود و حداقل نظرات هر فرقه به درستی بازگو شود. در این مقاله ابتدا به معرفی شخصیت علمی هاجسن پرداخته می‌شود، پس از آن، محورها و موضوعات اصلی مقاله «غلات» از نظر گذرانده می‌شود و در نهایت در جهت نقد و بررسی آن تلاش می‌شود.

حدیثی، سؤالات تحقیق، روش‌های پژوهش، و پاسخ‌های ایشان برای وجوه مختلفی از حدیث شیعه نیز با اهمیت است. (موتسکی، همان: ۱۲ و ۱۳) آیا سخن موتسکی را دانشمندان سنی مذهب تصدیق می‌کنند و دانشمندان شیعی باور دارند؟ به واقع نمی‌توان حاصل پژوهش‌های حدیثی براساس منابع اهل سنت را بر حدیث شیعه نیز صادق دانست. از این رو دانشمندان شیعی مذهب استنتاج بدین گونه را نه می‌پسندند و نه علمی می‌دانند.

۱. معرفی نویسنده مدخل «غلات»

مارشال گودوین سیمز هاجسن^۱، مستشرق آمریکایی، در سال ۱۹۲۲ میلادی چشم به جهان گشود و در سال ۱۹۶۷ میلادی در سن ۴۷ سالگی به طور ناگهانی بدرود حیات گفت. (عابدپور، ۱۳۸۵: ۶۷)

او از اسلام پژوهان و تاریخ‌دانان دانشگاه شیکاگو آمریکا بود و ریاست انجمن علمی تفکر اجتماعی در شیکاگو را بر عهده داشت. پژوهش‌های علمی هاجسن بیشتر بعد از درگذشت وی به چاپ رسیده است و اکثراً به مباحث تاریخ اسلام مرتبط است. سه اثر زیر از مهم‌ترین آثار علمی او به شمار می‌رود:

۱. کارستان اسلام^۲: این اثر مهم‌ترین کتاب هاجسن دانسته می‌شود و در سال ۱۹۷۴ توسط دانشگاه شیکاگو در سه جلد به چاپ رسیده است.

آلبرت حورانی^۳ این اثر را شاهکاری می‌خواند که تغییر پیکربندی مطالعات دانشگاهی درباره اسلام و تمدن مسلمانان را سبب شده است.^۴ وی همچنین جلد نخست این کتاب را همتای مقدمه ابن‌خلدون می‌شمارد. (عابدپور، ۱۳۸۵: ۶۷) همچنین سترستین^۵ در مدخل «مستشرقان» *دایره المعارف اسلام* هنگام معرفی پژوهشگران برجسته‌ای که ابتکارات آنان سبب پیدایش جهت‌گیری‌های جدید در تحقیقات مستشرقان شد از هاجسن و این کتاب وی نام می‌برد. (ZETTERSTÉEN، ۲۰۰۴م، ج ۷: ۷۴۹)

۱. Marshall Goodwin Simms Hodgson.

۲. The Venture of Islam Conscience and History in a World Civilization

ترجمه عنوان این کتاب به کارستان اسلام در مقاله «بررسی دیدگاه‌های عمده مارشال هاجسن در مورد تاریخ و تمدن اسلامی» (همتی گلپان، ۱۳۸۳: ۸۴) آمده است.

۳. Albert Hourani.

۴. به نقل از

The order of Assassins; the struggle of the early Nizârî Ismâ'îlîs against the Islamic world. 's-Gravenhage, Mouton, 1955.

۵. K.V.ZETTERSTÉEN.

این کتاب تا کنون به فارسی ترجمه نشده است، اما یک معرفی و یک مقاله درباره آن به زبان فارسی به چاپ رسیده است.^۱

۲. تجدید نظر در تاریخ جهان (مقالاتی در تاریخ اروپا، اسلام و جهان):^۲ این اثر توسط انتشارات دانشگاه کمبریج در سال ۱۹۹۳ چاپ شد و در سه بخش به بررسی تاریخ تطبیقی و به هم پیوسته و مشترک همه جوامع می پردازد.

۳. بیش از ۲۰ مقاله در سه جلد نخست دایره المعارف اسلام (EI) علاوه بر مدخل «غلات» مدخل های دیگری نیز در دایره المعارف اسلام نوشته مارشال هاجسن است. این مدخل ها عبارتند از:

أ) در جلد اول دایره المعارف اسلام مدخل های: عبد الله بن سبا، الموت (قسمت مربوط به سلسله پادشاهان)، بلخیه، باطنیه، بیان بن سمعان التمیمی، بزرگ امید (نام شخصی مرتبط با الموت). (۱۹۸۶م، ج ۱: ۵۱، ۳۵۳، ۹۶۲، ۱۱۰۰، ۱۱۱۶، ۱۳۵۹)

ب) در جلد دوم دایره المعارف اسلام مدخل های داعی، الدرازی محمد بن اسماعیل، الذمیه (نام فرقه ای مرتبط با علی الهی)، جابر بن قاسم، جعفر الصادق، الجناحیه، الجنابی (نام داعی در عراق)، الجارودیه، دُرُوز، الفدائی غسانیه (این نام توسط اهل سنت متاخر به مرجعه ای که به واسطه ابوحنیفه به هم مربوط می شوند اطلاق می شود)، غیبیه و غلات. (۱۹۹۱م، ج ۲: ۹۷، ۱۳۶، ۲۱۸، ۳۶۲، ۳۷۴، ۴۴۱، ۴۵۲، ۴۸۵، ۶۳۱، ۸۸۲، ۱۰۲۲، ۱۰۲۶، ۱۰۹۳)

ج) مدخل الجنابی و الفدائی با همکاری کلمان هوار^۳ و مدخل غیبیه با همکاری مادلونگ^۴ نوشته شده است.

۱. نخست معرفی با عنوان «سفر پرمخاطره اسلام» نوشته سعید عابدی پور (کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۰۸، سال ۱۳۸۵، ص ۶ و ۶۸) در این معرفی عبارت «سفر پرمخاطره اسلام» ترجمه نام کتاب است و دیگر مقاله ای با عنوان «بررسی دیدگاه های عمده مارشال هاجسن در مورد تاریخ و تمدن اسلامی» نوشته عبدالله همتی گلپان (ماهنامه معرفت، ش ۱۹۶، فروردین ۱۳۹۳) در این مقاله عنوان کتاب به «کارستان اسلام» ترجمه شده است.

۲. Rethinking World History: essays on Europe; Islam and World.

۳. Cl. Huart.

۴. W. Madelung.

د) در جلد سوم دایره المعارف اسلام مدخل‌های: حسن بن صباح، حجه، اباحه، ابن روح (وکیل امام غائب)، (۱۹۸۶م، ج ۳: ۲۵۴، ۵۴۳، ۶۶۲، ۹۰۷)

ه) در جلد چهارم و جلدهای بعد از آن مقاله‌ای به قلم هاجسن به رشته تحریر در نیامده است. علت این مسئله به احتمال زیاد به درگذشت هاجسن مرتبط است.

شایان ذکر است که در دایره المعارف اسلام در موارد متعدد به آثار هاجسن به خصوص در مدخل‌های مرتبط با تاریخ اسلام و فرق باطنی ارجاع داده شده است. از آن جمله می‌توان به مدخل‌های امامت، قزوین، ملامتیه، رجعه، سلجوقیان، سنجر، تصوف، خلفای راشدین (۲۰۰۴ - ۱۹۸۶م، ج ۳: ۱۱۶۸؛ ج ۴: ۸۵۹؛ ج ۶: ۲۲۴؛ ج ۸: ۳۷۳ و ۹۴۲؛ ج ۹: ۱۷؛ ج ۱۰: ۳۱۷ و ۳۳۰؛ ج ۱۲: ۵۲۹) اشاره کرد.

۲. محورها و موضوعات مطرح شده در مقاله

در مقاله غلات سخن درباره هفت موضوع اصلی قابل شناسایی است. سخن درباره هر یک از این هفت موضوع، به شکلی کامیاب منسجم غالباً در یکجا مطرح شده است. این هفت محور به ترتیبی که در مقاله دیده می‌شود، به قرار زیر است:

۱. معنی اصطلاح غلات و مصداق غلات؛
۲. باز نگری در معنای اصطلاح غلات؛
۳. معرفی نخستین غالی و دلیل غالی خوانده شدن او؛
۴. اعتقادات و عملکردهای غلات؛ این اعتقادات عبارت‌اند از:
 ۱. رجعت؛
 ۲. تصور امام غائب؛
 ۳. سب ابوبکر و عمر؛
 ۴. عصمت امامان؛
 ۵. علاقه به تعیین سرشت خوب یا بد انسان‌ها و نیز سرشت انسان‌نمای خداوند؛
 ۶. اعتقاد به پیامبری امام و نیز اعتقاد به دریافت درجاتی از الهام پیامبری توسط معتقدین واقعی؛

۴. ۷. اعتقاد به وجود نور الهی در امام (که یا آن را از آدم از طریق سلسله انبیا به ارث برده‌اند و یا این الوهیت را - به عنوان خداوندی کوچک‌تر بر زمین و یا به واسطه حلول روح الهی در آن‌ها - خودشان نمودار ساخته‌اند)؛
۴. ۸. اعتقاد به عالم ذر؛
۴. ۹. اعتقاد به رستاخیزی کاملاً روحانی؛
۴. ۱۰. اعتقاد به تناسخ؛
۴. ۱۱. اعتقاد به مسخ؛
۴. ۱۲. اعتقاد به الزام آور نبودن قوانین شریعت برای عارفان به امام؛
۴. ۱۳. اعتقاد به اباحه؛
۴. ۱۴. تأسیس قوانین جدید مانند گیاه‌خواری.
۵. ریشه باورهای غلات؛
۶. فعالیت‌های سیاسی غلات؛
۷. فرق غلات.

۳. نقد و بررسی مقاله غلات

اشکالات وارد بر مقاله غلات را می‌توان ذیل عناوین زیر گنجانند:

۱. اشکال در تقسیم‌بندی فرق شیعه با توجه به اعتقادات آن‌ها

هاجسن در معرفی غلات می‌گوید:

غلات به معنی افراط‌گرایان، اصطلاحی قدح برای اشخاصی است که به اغراق در دین متهم می‌شوند. از نظر فرق‌نویسان مصداق غلات گروهی از شیعیان هستند که عقیده امامی اثنی عشر آنان به عنوان «اغراق» در احترام به امام یا «اغراق» در امری دیگر تلقی می‌شود. ... در عمل این اصطلاح، همه نخستین شیعی‌های نظری - به جز آنان که بعداً به وسیله عرف اثنی عشر پذیرفته شدند - را در برمی‌گیرد. همچنین این اصطلاح در برگیرنده همه گروه‌های شیعی متأخر - به جز زیدیه، اثنی عشر رسمی و گاه اسماعیلیه - نیز هست. (EI: ۱۹۹۱، ۲/۱۰۹۳)

بدین ترتیب هاجسن بیان می‌کند که از نظر فرق‌نویسان، «شیعه اثنی عشر» یا «شیعه اثنی عشر به همراه زیدیه و اسماعیلیه» مصداق غالبان نیستند.

پس از ارائه این تعریف، هاجسن پیشنهاد می‌کند در معنای اصطلاحی «غلات»

بازنگری شود، به گونه‌ای که غلات همه گروه‌ها و فرق شیعه را در برگیرد:

با توجه به کاربرد این اصطلاح در عمل باید گفت غلات در دوره نخستین کسانی بودند که گرایش نظری متمایزی در داخل جهت‌گیری سیاسی اصلی شیعه اظهار می‌کردند و نظریه پردازی‌های آنان در عقاید شیعیان دوره‌های بعد و حتی گروهی از سنیان اثر گذاشت و این نظریه پردازی‌ها به شکل منبعی از عقاید درآمد که فرق مختلف شیعه بنیه اصلی مکاتب خود را از آن برمی‌گرفتند. از این رو مناسب است اصطلاح غلات به گونه‌ای تعریف شود که به گروه خاصی از شیعیان اختصاص نداشته باشد تا بتواند بر همه رهبران ناهمگون، ولی به هم پیوسته شیعه و راه و روش پدید آمده از آنان اطلاق شود. (پیشین)

در نقد این مطالب باید بگوییم قاعده عقلی بر این است که آنچه در تقسیم‌بندی‌ها در رأس قرار می‌گیرد و مجموعه از موارد جزئی زیر مجموعه آن قلمداد می‌شود باید به گونه‌ای تعریف شود که قابلیت انطباق بر همه موارد جزئی زیر مجموعه خود را داشته باشد؛ یعنی اطلاق نام مبدأ تقسیم‌بندی بر هر یک از موارد جزئی زیر مجموعه درست باشد، اما در این مقاله از سویی همه فرق مختلف شیعه غالی دانسته می‌شوند و از سوی دیگر عقاید مختلفی مانند اعتقاد به رجعت، حلول و تناسخ، اعتقاد به مهدی موعود، اعتقاد به پیامبری (نبوت) امام و معصوم بودن او و... از اعتقادات غلات معرفی می‌شود. حال آنکه رجوع به کتب قدیم و جدید، پذیرش همه این اعتقادات را از سوی صاحبان همه فرق شیعه اثبات نمی‌کند. به این ترتیب به این علت که همه نوع عقایدی را خود هاجسن عقاید غلات معرفی می‌کند، مورد پذیرش همه فرق شیعه و نیز فرقه اثنی عشر نیست، نمی‌توان همه آن‌ها را غالی نامید. به عبارت دیگر از آنجایی که شماری از فرق، از جمله اثنی عشریه به پیامبری امام و یا اباحی‌گری و ... اعتقاد ندارند، درست نیست همه فرق شیعه و یا اثنی عشر را غالی نامید.

آری پاره‌ای از اعتقادات مانند غضب حق خلافت حضرت علی علیه السلام توسط شیخین از اعتقادات مشترک غلات و دیگر فرق شیعه است، ولی پاره‌ای از اعتقادات غلات را دیگر فرق شیعه نپذیرفته‌اند و حتی به نقد و رد آن همت گمارده‌اند. در واقع نباید به واسطه یک یا چند اعتقادات مشترک، دو فرقه را یک فرقه شمرد؛ چه اینکه بین فرق مختلف شیعه و اهل سنت نیز اعتقادات مشترک فراوانی وجود دارد و با وجود این عقاید مشترک

کسی آن‌ها را یک فرقه تلقی نکرده است. بنابراین به صرف وجود چند عقیده مشترک بین غلات و دیگر فرق شیعه درست نیست همه فرق شیعه یا امامیه را غالی نامید و از اعتقادات متفاوت آنان چشم پوشی کرد.

اما اگر از اشکال فوق بگذریم و فرض کنیم مستشرقان بخواهند غلو را به مثابه برخی از اهل سنت به معنی برتری دادن حضرت علی علیه السلام بر شیخین تعریف کنند، آن‌گاه در بدو امر، در رأس قرار دادن غلات در تقسیم‌بندی فرق مختلف شیعه نادرست نمی‌نماید و می‌توان با این لحاظ همه فرق شیعه را به این لحاظ غالی نامید، اما این صورت اشکالی دیگر رخ می‌نماید و آن این است که آیا اعتقاد به اینکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بسان خلیفه اول برای پس از خود جانشینی معرفی کرده باشد و یا اعتقاد به اینکه شخصی به واسطه فضائل به خلافت شایسته‌تر از ابوبکر و عمر باشد، اعتقادی غلوآمیز و غالیانه است؟

در این باره انتظار می‌رود مستشرقان فارغ از تعصبات فرقه‌ای حداقل به گزارش دیدگاه‌های مختلف بپردازند و فارغ از اعتقاد گروه اکثریت، خود داوری کنند که آیا اعتقادی، گذشته از درستی یا نادرستی آن، غلوآمیز محسوب می‌شود یا نه؟

۳. ۲. معرفی عبدالله بن سبأ به عنوان نخستین غالی

هاجسن می‌گوید: «نخستین غالی عبدالله بن سبأ است؛ به این علت که او منکر مرگ علی علیه السلام شد و بازگشت یعنی رجعت او را - بدان سان که امامیه درباره دوازده امام مطرح می‌کنند - پیش‌بینی کرد» (۲/۱۰۹۳، ۱۹۹۱: EI)

در نقد این مطلب باید بگوییم که اولاً در پژوهش‌هایی مستدل نشان داده شده است که عبدالله بن سبأ شخصیتی غیر واقعی و ساخته ذهن سیف بن عمرو است و به این مسئله برخی از مستشرقان همچون برنادلوئیس، ولهاوزن، فریدلیندر و کایتانی نیز اذعان کرده‌اند. (علامه امینی، ۱۳۹۷ق، ج ۲: ۲۲۰؛ الوائلی، ۱۴۱۴ق: ۱۵۲-۱۲۹؛ سبحانی، ۱۳۸۱، ج ۶: ۱۲۶-۱۰۷)

ثانیاً در نخستین منبعی که عقاید شخصیت ساختگی عبدالله بن سبأ گزارش شده است، آمده است که او می‌گفت: «محمد صلی الله علیه و آله از عیسی علیه السلام برتر است و اگر بناست عیسی علیه السلام بازگردد، پس چرا محمد صلی الله علیه و آله بازنگردد؟!» (طبری، بی‌تا، ج ۳: ۳۷۸) بنابراین به فرض پذیرش وجود او، نباید اعتقادات غلوآمیز او را تنها نسبت به شخص

امیرالمومنین علیه السلام گزارش شود، بلکه لازم است اعتقادات غلوآمیز او درباره همه افراد گزارش گردد.

ثالثاً در این مقاله اعتقاد عبدالله بن سبأ مبنی بر نمردن علی علیه السلام و پیش‌بینی رجعت او بسان اعتقاد امامیه به رجعت دوازده امام خویش معرفی شده است، در حالی که امامیه اعتقاد به نمردن امامان خود ندارند، بلکه با پذیرش درگذشت آنان، مسئله رجعت آنان را مطرح می‌کنند و همچنین باید افزود که از نظر امامیه، امام دوازدهم زنده است و نیاز به رجعت ندارد. از این رو درست نیست رجعت «دوازده» امام را به امامیه نسبت داد.

۳.۳. توجه ندادن به تفاوت اعتقاد به رجعت در فرق مختلف شیعه

هاجسن رجعت را از اعتقادات غلات بر می‌شمارد و درباره آن می‌گوید: «نخستین غالی به نمردن علی علیه السلام و «رجعت» او اعتقاد داشت و این اعتقاد او، بسان اعتقاد امامیه به رجعت دوازده امام است.» (EI: ۱۹۹۱، ۲/۱۰۹۳)

در نقد این سخن باید گفت رجعت از اعتقادات مشترک امامیه و غلات است، اما معنی آن، در این دو فرقه لزوماً یکسان نیست. غالیان رجعت را به دو معنای مختلف تفسیر می‌کنند. در تفسیر نخست، رجعت معنایی شبیه به معنای رجعت در امامیه - یعنی زنده شدن پس از مرگ در این دنیا - دارد، با این تفاوت که آنان رجعت را برای بزرگان فرقه‌های خویش باور دارند. مثلاً کیسانیه برای محمد بن حنفیه^۱ و کریبه برای ابن کرب و صائدیه برای صائد نهدی و بیانیه برای بیان بن سمعان، اما در تفسیر دوم، رجعت به مانند نظریه تناسخ معنا می‌شود. به اعتقادی برخی از غلات روح پس از مردن بدن، به بدنی دیگر وارد می‌شود و این انتقال روح از یک بدن به بدن دیگر همان رجعت است. اینان در توضیح رخداد بهشت و جهنم نیز اعتقاد داشتند ورود روح به بدن دارای رفا، همان بهشت و به بدن دارای سختی، همان جهنم است. (نوبختی، ۱۳۸۶: ۳۷ و ۵۰؛ سعد بن عبدالله، ۱۳۴۱ق: ۴۵؛ ابوالحسن اشعری، ۱۴۰۰ق: ۱۱؛ صفری فروشانی، ۱۳۷۸: ۲۶۰)

۱. به برخی از غلات کیسانیه، اعتقاد به رجعت همه پیامبران و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام نیز نسبت داده شده است. (نوبختی، ۱۳۸۶: ۴۲؛ صفری فروشانی، ۱۳۷۸: ۲۶۰)

بنابراین میان تعریف رجعت در دو فرقه امامیه و غلات تفاوت وجود دارد و یکسان معرفی کردن مفهوم رجعت نزد غلات و امامیه درست نیست.

۳.۴. اشاره نکردن به آیات قرآن کریم درباره غلو

در مقاله با نگاهی تاریخی به جستجوی نخستین غالی پرداخته شده است و در این جستجو، پیدایش نخستین غالی به زمان عبدالله بن سبأ مربوط شده است، حال آنکه، بر اساس آیات قرآن، پیش از او نیز مسئله غلو در جامعه اسلامی و نیز صاحبان دیگر ادیان حاضر در شبه جزیره عربستان وجود داشته شده است، از این رو او نخستین غالی شناخته شده در آن دوره، در آن محدوده جغرافیایی نبوده است و مهم تر آنکه شایسته بود نویسنده به موضع گیری قرآن کریم نسبت به جریان های غلوآمیز در جامعه نیز اشاره می کرد و تصریح می نمود که کتاب آسمانی مسلمانان با اعتقادات غلوآمیز مبارزه کرده و آن ها را مورد نکوهش قرار داده است. نویسنده می توانست در این راستا به آیات زیر اشاره کند:

- آیات دال بر نکوهش غلو در ادیان پیشین (نساء: ۱۷۱ و مائده: ۷۷).

- آیات انکار الوهیت حضرت عیسی و حضرت مریم (مائده: ۱۱۶).

- آیه تأیید وقوع مرگ برای پیامبر اسلام ﷺ (زمر: ۳۰).

۳.۵. انتساب آغازگری اندیشه مهدویت به غلات

هاجسن غلات را آغازگر اندیشه مهدویت معرفی می کند. او در این باره می نویسد:

تصور امام غائب که مقرر شده که باز گردد و عدالت را برپا کند با عنوان مهدی یا

قائم به نظر می رسد نخستین بار از میان غلات ظاهر شد. (EI: ۱۹۹۱، ۲/۱۰۹۳، ۲/۱۰۹۳)

در ارتباط با این ادعا باید پرسید که روایات رسیده از پیامبر ﷺ دال بر وجود مهدی ﷺ که علاوه بر کتب روایی شیعه در کتب روایی اهل سنت موجود است، چگونه با این ادعا سازگار است؟ چه اینکه اولاً می بینیم این روایات از پیامبر ﷺ و نه از شخصی از غلات نقل شده اند و ثانیاً چنانچه این روایات بر ساخته سال های بعد از وفات پیامبر ﷺ و پس از خلق اعتقاد به مهدویت توسط غلات شیعه باشد، محدثین و صاحبان کتب روایی سنی مذهب همچون ابن داود (۱۴۱۰ق، ج ۴: ۱۰۶) چه انگیزه و هدفی از نقل و نگارش باورهای غلط و ساختگی شیعه و تأیید باورهای آنان، آن هم در قالب سخن

پیامبر ﷺ در کتب روایی خود داشته‌اند؟ در حالی که بی‌گمان به تواتر، سخن پیامبر ﷺ (من کذب علی متعمداً...) را شنیده بودند و از نتیجه دروغ بستن به پیامبر ﷺ با خبر بودند.

در نتیجه حداکثر مطلبی که در این باب می‌توان گفت این است که اعتقاد به مهدویت از عقاید مشترک امامیه و غلات است.

۳.۶. برشمردن اعتقاد به عالم ذر به عنوان عقاید غلات

هاجسن اعتقاد به زندگی روح در دوره‌ای کاملاً روحانی و مستقل از جسم را از اعتقادات غلات بر می‌شمارد و سپس در این باره می‌گوید:

حداقل در زمان ابوالخطاب، غالی برجسته و دوست [امام] جعفر صادق [ع]، بسیاری از غلات روح را در دوره‌هایی کاملاً روحانی ضرورتاً مستقل از هر جسم تصور می‌کردند. (۲/۱۰۹۳، ۱۹۹۱: EI)

در واقع هاجسن در این سخن اعتقاد به «عالم ذر» را به غلات نسبت می‌دهد. در نقد سخن او باید گفت اعتقاد به عالم «ذر» از یک سو به غلات یا دیگر فرق شیعه اختصاص ندارد و شماری از علمای اهل سنت به خصوص متقدمین آنان وجود عالم ذر و زندگی روح در دوره‌ای کاملاً روحانی را پذیرفته‌اند. از سوی دیگر، همه شیعیان و حتی همه علمای امامی مذهب به وجود عالم ذر اعتقاد ندارند. (ر.ک: گودرزی، ۱۳۸۷؛ بیابانی اسکویی، ۱۳۸۷: ۲۲-۱۰؛ همو: ۱۳۸۸: ۱۰۷-۹۷)

بنابراین اولاً اعتقاد یا عدم اعتقاد به عالم ذر دال بر شیعه یا غالی بودن یا نبودن فردی نیست. ثانیاً اعتقاد به عالم ذر نهایتاً از عقاید مشترک غلات و برخی دیگر از فرق مسلمان است و وجه تمایز آنان از دیگر فرق به شمار نمی‌رود.

نکته دیگر آن است که هنگام برشمردن عقاید فرق مختلف، از باورها و عقایدی سخن به میان می‌آید که یا سبب جدایی و تمایز فرقه‌ای از فرق دیگر می‌شود، همچون طرح عقیده «منزله بین المنزلتین» که سبب جدایی و پیدایش فرقه معتزله در اهل سنت گردید، یا آنکه عقیده‌ای برشمرده می‌شود که در مجموعه عقاید آن فرقه برجسته و مهم است و در فضای مناظره بین فرق، دارای پشتوانه استدلالی و صبغه تمایزدهنگی شده است. از این رو، به عقایدی که بین فرق مختلف مشترک است و یا در مجموعه باورهای

فرقه‌ای خاص جایگاه و دلیل ویژه‌ای ندارد، پرداخته نمی‌شود. به همین دلیل است که در کتب فرق قدیم و جدید، اعتقاد به عالم ذر از جمله اعتقادات هیچ فرقه‌ای و از آن جمله غلات برشمرده نشده است و معلوم نیست هاجسن بر اساس چه منبعی این اعتقاد را به غلات نسبت داده است و در واقع سند تاریخی ادعای او معلوم نیست.

۳.۷. برشردن انکار معاد جسمانی در جمله عقاید غلات

هاجسن اعتقاد به رستاخیزی کاملاً روحانی را از ویژگی‌های غلات برمی‌شمارد. او در این باره می‌نویسد: «در نتیجه باور پیشین [یعنی اعتقاد به عالم ذر] برخی رستاخیزی کاملاً روحانی را انتظار می‌بردند» (EI: ۱۹۹۱، ۲/۱۰۹۳).

در بررسی انتساب این باور یعنی انکار معاد جسمانی به غلات باید بگوییم اولاً امامیه به رخدادهای معاد «روحانی - جسمانی» باور دارند و حتی ابن سینا که نتوانسته معاد جسمانی را با عقل ثابت کند، آن را به این علت که وحی و شریعت از آن خبر داده می‌پذیرد. (ابن سینا، ۱۴۰۴ق، ج ۲۲: ۴۴۶-۴۲۳) بنابراین این باور نیز از تمایزات غلات و امامیه است و با وجود این تمایزات - چنان که در نقد نخست آمد - نباید امامیه را فرقه‌ای از غلات تصور کرد.

همچنین در این رابطه باید یادآور شد که باور بسیاری از فرق «اهل سنت» این است که رخدادهای معاد صرفاً روحانی است، بنابراین با فرض صحت انتساب اعتقاد به معاد روحانی به غلات، این باور آن‌ها را به یکی از فرق اهل سنت شبیه می‌کند تا فرقه‌ای از شیعه و این نکته‌ای است که شایسته بود مؤلف هنگام یکی دانستن غلات با شیعه یا فرقه اثنی عشریه بدان توجه می‌کرد.

ثانیاً در میان فرق شیعه برخی از فرق مانند اسماعیلیه وجود دارد که همسو با مشرب تاویلی حاکم بر باورهای آنان، دست به تأویل آیات دال بر معاد جسمانی می‌زنند و اعتقاد به معادی صرفاً روحانی را مطرح می‌کنند. (سبحانی، ۱۳۸۱، ج ۸: ۲۲۷) اما در هیچ یک از کتب فرق در مورد دآوری غلات درباره نحوه معاد گزارشی دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد هاجسن با توجه به مطالعات گسترده خود در مورد فرقه اسماعیلیه بین باورهای آنان و غلات قیاس کرده است و این باور را به غلات نیز نسبت داده است.

ثالثاً مؤلف معتقد است که در نتیجه باور به عالم ذر - یعنی زندگی روح در دوره‌ای مستقل از روح - گروهی به معادی کاملاً روحانی معتقد شده‌اند، همچنین با توجه به

ادامه مقاله روشن می‌شود که از نظر او این دو باور، هر دو در راستای کم ارزش‌خوانی جسم‌اند، اما باید گفت که هیچ تلازمی بین اعتقاد به عالم ذر و اعتقاد به معاد جسمانی وجود ندارد، از این رو نمی‌توان گفت که در نتیجه باور به عالم ذر، اعتقاد به معاد روحانی پدید آمده است.

۳.۸. ادعای اتهام غلات به اباحه‌گری

در قسمتی از مقاله آمده است:

در راستای کم‌ارزش‌خوانی جسم توسط آن‌ها، به نظر می‌رسد بسیاری قانون شریعت را برای کسانی که به حقیقتی عمیق‌تر دست یافته‌اند - یعنی کسانی که امام را شناخته‌اند - الزام‌آور قلمداد نمی‌کنند. آن‌ها معمولاً به این مسئله که همه قوانین قراردادی اخلاقی را غیر عملی می‌شمارند (اباحه) متهم می‌شوند. (۲/۱۰۹۳، ۱۹۹۱: EI)

در این رابطه باید گفت اولاً غلات قوانین اخلاقی را «غیر عملی» نمی‌شمردند، بلکه آن‌ها را برای خویشان «لازم‌الاتباع» نمی‌دانند و ثانیاً مسئله اباحه‌گری عموماً در مسئله واجبات و محرمات و تکالیف شرعی مطرح است تا قوانین اخلاقی. در این فرقه ادعای «مباح خواندن» عملی در مقابل «حرام بودن» آن عمل به لحاظ شرعی مطرح است. در واقع بسیاری از آن‌ها معرفت امام و رهبر را که عمدتاً همان رهبران غلات بودند جایگزین تمام اعمال و احکام می‌دانستند و می‌گفتند: هر که امام و پیامبر را شناخت، هر کاری خواست می‌تواند بکند و همه احکام شرع از او برداشته شده است. (نوبختی، ۱۳۸۶: ۴۹؛ صفری فروشانی، ۱۳۷۸: ۲۹۸)

عده‌ای از آن‌ها نیز می‌گفتند: اعمال شرع فقط بر مقصر، یعنی آنان که در شناخت رهبر، کوتاهی روا داشته‌اند، واجب است تا بدین ترتیب، جزای کوتاهی خود را ببینند. (صفری فروشانی، ۱۳۷۸: ۲۹۹)

ثالثاً غلات «متهم» به اباحه‌گری نیستند بلکه آن‌ها به واقع اباحه‌گری را ترویج کرده و ترویج اباحه‌گری یکی از ابزارهای آنان در جذب طرفداران بیشتر است. (صفری فروشانی، ۱۳۷۸: ۲۹۲)

به بیان دیگر استفاده از تعبیر متهم شدن به چیزی در معرفی گروهی دلالت بر این دارد که از نظر نویسنده این وصف در حد اتهام است و واقعیت ندارد، در حالی که غلات به واقع مروج اباحه‌گری‌اند و این ویژگی در حد اتهام نیست.^۱

رابعاً در قراردادی بودن یا نبودن قوانین اخلاقی اختلاف است. قراردادی دانستن قوانین اخلاقی به این معناست که یک ارزش اخلاقی زمانی موجه است که مردمان خاصی در شرایط خاصی بر آن قاعده یا نظامی که مشتمل بر آن قاعده است توافق کنند. در مقابل، واقع‌گرایی در اخلاق بدین معناست که ارزش‌های اخلاقی واقعیت دارد و ما تنها آن‌ها را کشف می‌کنیم، نه جعل و اختراع. در واقع هاجسن در این قسمت از مقاله درباره ارزش‌های اخلاقی داوری می‌کند و آن‌ها را قرار دادی می‌شمارد و بر قراردادی دانستن ارزش‌های اخلاقی نقدهایی وارد است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۷۳؛ شریفی، ۱۳۸۳؛ محمدی پیرو و شریفی، ۱۳۹۰: ۱۲۳)

۹.۳. انتساب پایه‌گذاری گیاه‌خواری به غلات و بروز انتقادات به آن‌ها به

این علت

هاجسن می‌گوید: «در همین زمان شماری از آن‌ها به خاطر پایه‌گذاری قوانین جدید مانند گیاه‌خواری مورد انتقاد قرار گرفتند» (۲/۱۰۹۳، ۱۹۹۱: EI)

در این رابطه باید گفت: اولاً معلوم نیست هاجسن بر اساس کدام سند غلات را پایه‌گذار گیاه‌خواری می‌خواند و بر اساس کدام مدرک ادعا می‌کند پیش از ظهور اسلام و پیدایش فرقه غلات کسی به گیاه‌خواری نپرداخته است؟! ثانیاً هیچ یک از فریق‌نگاران، گیاه‌خواری را در جمله عملکردهای فرقه غلات نشمرده است و انتساب این عمل به آن‌ها سندی ندارد. ثالثاً اصولاً انتقادهای صورت گرفته به غلات به علت گیاه‌خوار بودن آن‌ها نبوده است؛ بلکه در این فرقه باورها و عملکردهایی بسیار نکوهیده‌تر از گیاه‌خواری، مانند حلال شمردن زنا و حلال شمردن مال مردم برای خود و ... وجود دارد (عبدالقاهر بغدادی، بی‌تا: ۲۳۳؛ نوبختی، ۱۳۸۶: ۴۳؛ سعد بن عبدالله، ۱۳۴۱: ۵۸) که به انتقاد و

۱. در واقع فرق بین متهم خواندن گروهی در داشتن یک اعتقاد با معتقد دانستن گروهی مانند فرق میان متهم دانستن شیعه به طرف‌داری از علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) و طرف‌دار علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) خواندن آنان است.

نکوهش سزاوتر است. این مسئله را به خوبی از روایات فراوان رسیده از ائمه علیهم السلام در مذمت آنان می‌توان یافت. (صادقی، ۱۳۹۰: ۱۷۲-۱۱۶)

۳. ۱۰. کامل و دقیق نبودن فهرست عقاید غلات

پیش‌تر به اشکالات مرتبط به عقاید نسبت داده شده به غلات نکاتی ذکر شد. در تکمیل این بحث باید بگوییم در مقاله به دو اعتقاد مهم غلات یعنی «تشبیه» و «تفویض» اشاره نشده است (صفری فروشانی، ۱۳۷۸: ۲۳۱-۲۱۳) و در عوض اعتقاد به مسخ که فرق‌نویسان آن را در جمله اعتقادات غلات نشمرده‌اند به غلات نسبت داده شده است.

۳. ۱۱. مشخص نشدن مرز غلو

در مقاله، شمار قابل توجهی از اعتقادات و عملکردها به غلات نسبت داده شده است. اما مشخص نشده باور و اعتقاد به چه مسائلی مساوی غالی خوانده شدن شخص است. در آغاز مقاله، «غلو» مترادف با امامیه (اثنی عشری)، زیدیه و اسماعلیه یا مترادف با شیعه معرفی می‌شود، اما در آخر مقاله بیان می‌شود صوفیه اعتقاداتی داشتند که از نظر شیعه مرسوم غلو محسوب می‌شد. به این ترتیب مشخص نمی‌شود چه کسانی با چه اعتقاداتی غالی هستند؟ مرز غلو از نظر فرق مختلف چه تفاوتی دارد؟ بر اهمیت این مسئله - لزوم مشخص شدن مرز غلو- این نکته می‌افزاید که برخی محققان عقاید شماری از فرق منتسب به اهل سنت را نیز غالیانه خوانده‌اند. (ر.ک: اللویحق، ۱۴۲۰ق: ۵۶۸-۴۴۶؛ سامرائی، ۱۹۸۸م: ۱۲۴)

۳. ۱۲. ادعای ارتباط دوستانه امامان شیعه با غلات

در دو قسمت از مقاله به طور ضمنی رابطه دوستانه امامان شیعه با غلات به تصویر کشیده شده است، نخست ابوالخطاب دوست امام صادق علیه السلام معرفی شده است و دیگر از رضایت‌مندی امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام از وجود غلات بر گرد آنان خبر داده شده است. (EI: ۱۹۹۱، ۲/۱۰۹۳)

در حالی که روایات منقول از ائمه شیعه نه تنها تداعی‌گر رابطه دوستانه ائمه علیهم السلام با غلات نیست، بلکه در این روایات از یک سو نکوهش شدید غلات و از سوی دیگر بر

Archive of SID

پاره‌ای از جزئیات، به هر حال، بازتاب تصورات اعراب پیش از اسلام است، زیرا بسیاری از نخستین رهبران غلات از اعراب قبیله‌ای هستند. شکلی از پیشگویی که در فرقه مختاریه دیده می‌شود و برخی از تصورات مربوط به رجعت قهرمانان ممکن است خاستگاه‌های عربی باستانی داشته باشد. همچنین انتظار تداوم نبوت و امید برای رهبری بشری تحت هدایت الهی، که بر جهان به عدالت حکم راند، باز نمود یک تفسیر دگرواره اسلام از گونه ریاست در مکه و مدینه است. (۲/۱۰۹۳، EI: ۱۹۹۱)

در بررسی این سخن باید بگوییم اولاً در مقاله برای اثبات این ریشه در باورهای غلات به این نکته که بسیاری از نخستین رهبران غلات از اعراب قبیله‌ای بوده‌اند استناد شده است. در بررسی این دلیل باید در نظر داشت که جامعه عرب آن روزگار بر پایه نظام قبیله‌ای شکل گرفته بود و در نتیجه هیچ کس جدا از این نظام زندگی نمی‌کرد. بدین ترتیب هر یک از اعراب متعلق به قبیله‌ای بوده‌اند. بنابراین انتساب نخستین سران غلات به قبایل عرب، نکته‌ای معنادار نیست، چه اینکه سران سایر فرق و اندیشه‌ها نیز به قبایل عرب منتسب بوده‌اند. ثانیاً اصل اثرگزاری باورهای عرب جاهلی در تحریف آموزه‌های اسلام و ظهور فرقه‌هایی مانند غلات قابل پذیرش است، اما نمی‌توان ریشه‌ی باورهای مسلمانان و یا غلات را به عقاید عرب جاهلی بدون هیچ مستند و دلیلی مربوط دانست. در مقاله «انتظار تداوم نبوت و امید برای رهبری بشری تحت هدایت الهی» تفسیر دگرواره «اسلام» از گونه ریاست در مکه و مدینه معرفی شده است. درحالی که در نقد این سخن باید یادآور شد که این اعتقاد اختصاص به مسلمانان ندارد و در ادیان دیگر نیز دیده می‌شود.

در ادیان دیگر نیز نبوت و یا حکومت از پدر به پسر به ارث می‌رسد و پس از ابراهیم و یعقوب، پسران شایسته‌شان نبی می‌شوند و پس از داود پسرش سلیمان، علاوه بر نبوت بر مسند حکومت می‌نشینند. از این رو نمی‌توان ریشه این باور را صرفاً در تصور عرب جاهلی در مکه و مدینه جست و بدین وسیله اصالت و حیاتی برخی از اعتقادات را انکار کرد.

درباره اثرگذاری ادیان دیگر در پیدایش غلات در مقاله چنین آمده است:

بسیاری از رهبران بعدی غلات دسته‌ای موالی بودند با سابقه مسیحی، یهودی، گنوسی و زردشتی و آنان تصوراتی آبا و اجدادی‌شان را در باورهای غلات بازسازی کردند. احتمالاً قسمت عمده تفکرات غلات درباره روح از این چنین عقاید موروثی از خاورمیانه قدیم نشأت گرفته است. مشخصاً به سبب احترامی که غلات برای

ابومسلم قائل هستند به نظر می‌رسد عقاید غلات شیعه متأثر از فعالیت‌های گروه خاصی از زردشتیان باشد. همچنین در اواخر قرن سوم (نهم میلادی) در میان غلات طریقه‌های باطنی تفسیر نمادین و رمزی قرآن ظاهر شد. این نیز به نظر می‌رسد حاصل نفوذ فلسفه سنتی یونان باشد. (EI: ۱۹۹۱، ۲/۱۰۹۳)

درباره این سخن باید بگوییم که اثر ادیانی مانند گنوسی و یهودی در تحریف آموزه‌های اسلام و پیدایش غلات امری غیر قابل انکار است. (علیزاده، ۱۳۸۳: ۱۰۱)

۱۴.۳. عدم استفاده از منابع مسلمان

یکی از مهم‌ترین نقدهای وارد بر مدخل غلات در دایره المعارف اسلام عدم استفاده از منابع مسلمانان - اعم از شیعه و سنی و متقدم و متأخر - در نگارش این مدخل است. هاجسن در منابع مورد استفاده در نگارش این مقاله، هفت کتاب را نام می‌برد که همه آن‌ها از آثار مستشرقان هستند و در آن‌ها حتی یک منبع عربی دیده نمی‌شود. به واقع اگر فرقه غلات، فرقه‌ای منتسب به شیعه است، آیا لازم نیست در درجه اول نگاه شیعیان و در درجه دوم نگاه اهل سنت، در طول تاریخ، نسبت به این فرقه گزارش شود؟ و آیا در این راستا نباید کتاب‌های مسلمانان اعم از کتب فرق، تاریخ، رجال و روایت مستقیماً مورد مطالعه و رجوع قرار گیرد؟ در واقع به نظر می‌رسد مسئله زبانی که موتسکی به آن اشاره می‌کند و آن را سبب بدبینی مسلمانان نسبت به تحقیقات مستشرقان می‌خواند (موتسکی، ۱۳۸۹: ۱۱) درباره آثار علمی برخی از مستشرقان صادق است و تحقیقات آنان حداقل گاه به دلیل عدم مراجعه به منابع اصلی با خلل و ناراستی همراه است.

نتیجه‌گیری

هاجستن، نویسنده مدخل غلات در دایره المعارف اسلام، یکی از اسلام‌پژوهان و تاریخ‌دانان آمریکایی است. مقاله وی درباره غلات با اشکالات و کاستی‌های قابل توجه و اثرگذار همراه است. از آن جمله در این مقاله تقسیم‌بندی فرق شیعه به درستی صورت نگرفته، اعتقادات غلات به درستی معرفی نشده است و در عوض به برخی از اعتقادات غیراثرگذار در تمایز غلات از دیگر فرقه‌ها اشاره شده است و نیز این فرقه به نادرستی به داشتن برخی اعتقادات، عملکردها و تعاملات اجتماعی توصیف شده است. اشکالات این

مقاله به حدی است که در مجموع باید گفت این مدخل، تصویری درست و جامع از فرقه غلات را به نمایش نگذاشته است و به نظر می‌رسد بسیاری از اشکالات وارد بر این مدخل از عدم مراجعه مستقیم نگارنده به منابع متقدم و متأخر مسلمانان، اعم از شیعه و اهل سنت، ناشی شده است.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ق)، *الشفاء لالهیات*، تحقیق: الأب قنوتی و سعید زاید، قم: منشورات مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- ابوداود، سلیمان بن اشعث سجستانی (۱۴۱۰ق)، *سنن ابی داود*، تحقیق سعید محمد اللحام، [بی‌جا]: دار الفکر.
- ابوالحسن اشعری، علی بن اسماعیل (۱۴۰۰ق)، *مقالات الإسلامیین وإختلاف المصلین*، تحقیق: هلموت ریتز، چ ۲، آلمان: فرانز شتاينر.
- بیابانی اسکویی، محمد (۱۳۸۸)، «انسان در عالم ذر: آراء و اقوال دانشمندان قرن ۱۴»، *سفینه*، ش ۲۴.
- _____ (۱۳۸۷)، «عالم اظله و ارواح: بررسی آراء دانشمندان قرن ۴ تا ۸»، *سفینه*، ش ۱۶.
- سامرائی، عبدالله سلوم (۱۹۸۸م)، *العلو و الفرق الغالیه فی الحضاره الاسلامیه*، لندن و بغداد: دار واسط للنشر.

- سبحانی، جعفر (۱۳۸۱)، *بحوث فی الملل و النحل*، ج ۲، قم: موسسه الامام الصادق علیه السلام.
- سعد بن عبدالله (۱۳۴۱ش)، *المقالات و الفرق*، تحقیق: محمد جواد مشکور، تهران: موسسه مطبوعاتی عطائی.
- شریفی، احمد حسین (۱۳۸۳)، «قراردادگرایی اخلاقی، نظریه‌ای در باب توجیه گزاره‌های اخلاقی»، نشریه معارف، ش ۲۳.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق)، *اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات*، بیروت: الأعلمی.
- صادقی، عقیل (۱۳۹۰)، «سیره اهل بیت علیهم السلام در مواجهه با غالیان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی شهید مطهری.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله (۱۳۷۸)، *غالیان کاوشی در جریان‌ها و برایندها*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- طبری، محمد بن جریر (بی‌تا)، *تاریخ الطبری*، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- عابدپور، سعید (۱۳۸۵)، «سفر پرمخاطره اسلام»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۰۸.
- عبد القاهر بغدادی، عبد القاهر بن طاهر (بی‌تا)، *الفرق بین الفرق*، تحقیق: محمد عثمان الخشت، قاهره: مکتبه ابن سینا.
- علامه امینی، احمد (۱۳۹۷ق)، *الغدیر*، ج ۴، بیروت: دار الکتب العربی.
- عزیزاده بیرجندی، زهرا، (۱۳۸۳)، «بررسی ریشه‌های فکری و علل اجتماعی - سیاسی ظهور غالیان»، *ادبیات و علوم انسانی*، ش ۴.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۳)، *آیین نگارش*، ج ۱۱، تهران: سخن.

- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۳۷۱)، نوادر الأخبار فیما يتعلق بأصول الدین، تحقیق مهدی انصاری قمی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- گودرزی، فرناز (۱۳۸۷)، «بررسی تفسیر آیه الست از دیدگاه عالمان اهل سنت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم حدیث.
- اللویحق، عبدالرحمن بن معلا (۱۴۲۰ق)، مشکلة الغلو فی الدین فی العصر الحاضر، ج ۲، بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، ج ۲، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمدی پیرو، احمد و احمد حسین شریفی (۱۳۹۰)، «نقش واقع‌گرایی در اخلاق کاربردی»، معرف اخلاقی، ش ۴.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۴)، نقد و بررسی مکاتب اخلاقی، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله.
- موتسکی، هارالد (۱۳۸۹)، حدیث اسلامی خاستگاه‌ها و سیر تطوّر، به کوشش و ویرایش مرتضی کریمی‌نیا، قم: دار الحدیث.
- نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۸۶)، فرق الشیعه، ترجمه و تعلیقات محمد جواد مشکور، ج ۳، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- الوائلی، احمد (۱۴۱۴ق)، *هویتة التشیع*، ج ۳، بیروت: دار الصفوه.
- هادی‌نا، محبوبه (۱۳۸۸)، «مکاتب گنوسی: خاستگاه و اعتقادات»،
پژوهشنامه ادیان، ش ۵.
- همتی گلیان، عبدالله (۱۳۸۳)، «بررسی دیدگاه‌های عمده مارشال
هاجسن در مورد تاریخ و تمدن اسلامی»، معرفت، ش ۱۹۶.
- A number of leading orientalists, The
encyclopaedia of Islam(EI), fourth impression,
Leiden, 1986 - 2004.

Archive of SID